

جایگاه شهرهای کوچک در سلسله مراتب شهری (مطالعه‌ی موردی: استان اصفهان)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۳/۲۰ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۳/۰۳/۱۰

کتایون بهارلونی* (دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر)
اصغر نظریان (استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر)

چکیده:

عدم تعادل در سلسله مراتب شهری در جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه معضلاتی را به وجود آورده است، چنین حالتی با شدت و ضعف، ولی به طور غالب در بیش تر مناطق ایران دیده می شود. افزایش تعداد شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای متوسط به خصوص شهرهای کوچک و روستا - شهرها عمل می کند. استان اصفهان نیز به نوبه‌ی خود دچار گسیختگی سلسله مراتب شهری و تمرکز جمعیت در مرکز استان می باشد. مقاله‌ی حاضر مطالعه‌ی ای در خصوص بررسی نقش و کارکرد شهرهای کوچک استان اصفهان در سلسله مراتب شهری است.

روش پژوهش «توصیفی- تحلیلی» است، که در آن مدل های کمی و روش های آماری استفاده شده است و منابع مورد استفاده عمدتاً از نتایج سرشماری در دوره های مختلف می باشد و هدف از این تحقیق، برنامه ریزی جهت تعادل فضایی و بررسی جایگاه شهرهای کوچک در شبکه‌ی شهری استان اصفهان و ارائه‌ی خدمات مناسب به حوزه‌ی پیرامونی توسط شهر های کوچک می باشد. در این مطالعه سه شهر کوچک از شهرهای استان اصفهان به عنوان نمونه ی مطالعاتی (گلپایگان، نایین و سمیرم)، با یک شهر میانی (شهرضا) و یک شهر بزرگ (اصفهان) در زمینه های گوناگون مورد مقایسه قرار گرفته است. مطابق بررسی های صورت گرفته از طریق مدل اندازه-رتبه شهری شیب خط، همچنین ضریب آنتروپی، عدم تعادل و گسیختگی در نظام شهری استان اصفهان مورد تایید قرار می گیرد. محاسبه ی ضریب کشش پذیری بیانگر این است که سه شهر کوچک منتخب در دوره های اخیر روند افزایشی ضریب را دارند. با بررسی از طریق ضریب L.Q به لحاظ

* نویسنده رابط: Bahar54k@gmail.com

کارکرد اقتصادی، نقش غالب شهر های کوچک کشاورزی و خدمات بوده است، در حالی که نقش اقتصادی شهرهای متوسط و بزرگ مورد مطالعه در بخش صنعت و خدمات می باشد. در نتیجه آنچه که عملکرد شهرهای کوچک را در نظام شهری و توسعه منطقه ای کم رنگ نموده است، فقدان شهرهای میانی (۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر) در سلسله مراتب شهری و تمرکز شدید امکانات خدمات در شهر اصفهان بوده است، بنابراین تقویت شهر های کوچک و تزریق سرمایه متوازن به آن ها می تواند راهکار مناسبی برای نیل به ساختار فضایی متعادل در سطح استان باشد.

واژه های کلیدی: شهرهای کوچک، سلسله مراتب شهری، توسعه منطقه ای، تعادل فضایی، استان اصفهان



مقدمه و طرح مسأله

توزیع فضایی جمعیت در کشورهای جهان به خصوص در کشورهای در حال توسعه، عدم تعادل در شبکه‌ی استقرار جمعیت و بهره برداری از منابع سرزمین را نشان می‌دهد. در دهه های اخیر این عدم تعادل شدت بیش تری یافته است و کشورهای مختلف هر یک به فراخور حال خود راه حل هایی در جهت رفع آن برگزیده اند و به دنبال خطوطی برای توسعه‌ی آتی خود هستند. اما آنچه پر اهمیت می نماید این که برنامه هایی با هدف ارتقاء شرایط کیفی و کمی تدوین می شود، اغلب با کامیابی مواجه نمی گردد (نظریان، ۱۳۸۶: ۳۴). تراکم جمعیت در شهرها به خصوص در شهرهای کشورهای در حال توسعه، نگران کننده است و موجبات ناپایداری محیط را فراهم می آورند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۳، ۸۵). چنین حالتی با شدت و ضعف، ولی به طور غالب در بیش تر مناطق ایران دیده می شود. افزایش تعداد شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای متوسط به خصوص شهرهای کوچک و روستا - شهرها عمل می کند. اختلاف شرایط ناحیه ای و سیاست اداری به این مسائل دامن زده، ولی سیاست اقتصادی عامل مهمی در توزیع نامتعادل سلسله مراتب شهری می باشد (فرید: ۱۳۶۷، نظریان: ۱۳۷۳).

سیمای فعلی سکونتی و نظام شهری اصفهان، انعکاسی است از تحولاتی که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر آن گذشته است و در حال حاضر نیز جریان و حاکمیت دارد. عدم تعادل های فضایی بین کانون ها، سطوح، پهنه ها و زیر مناطق عملکردی، در حال حاضر گویای این ادعاست. با توجه به ویژگی های استان اصفهان برنامه ریزی در جهت نظام یابی سلسله مراتب سکونتگاهی و به ویژه شهرهای کوچک می تواند تعادل منطقه ای را به دنبال داشته باشد. طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ استان اصفهان دارای ۱۰۱ شهر بوده است و از این تعداد ۹۲ شهر در گروه شهرهای کوچک با جمعیت زیر ۵۰ هزار نفر قرار دارند، در طبقه بالای جمعیتی شهرهای کوچک، شهرهایی با جمعیت ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر وجود دارد و تعداد آن ها به ۸ شهر می رسد که شامل شهرهای بهارستان، گلپایگان، نایین، در چه، دولت آباد، سمیرم، فلاورجان و قهدریجان می باشند. در این مطالعه سه شهر نایین، گلپایگان و سمیرم انتخاب شده اند و با شهر میانی شهرضا و کلان شهر اصفهان مورد مقایسه قرار گرفته اند. با این تفاسیر؛ یکی از مهم ترین دلایل توجه به شهرهای کوچک، پیدایش کلان شهرهاست، که نوعی تمرکزگرایی را به وجود آورده است و باعث عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای شده که این امر، مشکلات و پیامدهای ناپهنجاری را به دنبال خواهد داشت و استان اصفهان هم یکی از مناطقی است که، دچار این ناهماهنگی و عدم تعادل

فضایی می باشد و مسلماً نیاز به برنامه ریزی و تقویت شهرهای کوچک و سامان دهی فضایی دارد تا تعادل فضایی و منطقه ای در این استان حکم فرما گردد.

سوالات و فرضیات تحقیق

در این پژوهش، محقق، به دنبال استدلال و تحلیل این قضیه است، که چگونه شهرهای کوچک می توانند درمباحث مربوط به توسعه منطقه ای جایگاهی داشته باشند؟ و آیا شهرهای کوچک با بهره گیری از برنامه های مدون می توانند در نگهداشت جمعیت و جلوگیری از مهاجرت نقش مثبتی ایفا نمایند؟ همچنین فرضیات این تحقیق را می توان چنین عنوان نمود:

- ۱- شهرهای کوچک در شرایط امروز و باتوجه به نظریه های ارائه شده در سامان دهی فضایی مطلوب جمعیت در نظام سکونتگاهی مناطق نقش اساسی دارند.
- ۲- نابسامانی در تعادل ارائه خدمات بین شهرهای بزرگ و روستاها، نتیجه ی گسترش بیش از حد شهر اصفهان و تعدادی از شهرهای بزرگ استان و کاهش نقش شهرهای کوچک است.

اهداف و روش تحقیق

هدف اصلی سامان دهی فضایی جمعیتی در سطح استان اصفهان و برنامه ریزی در جهت ایجاد تحریکات و جریانات مثبت اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی در شهرهای کوچک به منظور پذیرش بخشی از مهاجران روستایی، و جلوگیری از افزایش جمعیت شهرهای بزرگ استان، همچنین ارائه خدمات مناسب می باشد که زمینه را برای توزیع متوازن جمعیت و امکانات و سرمایه ها فراهم آورد.

روش پژوهش حاضر «توصیفی-تحلیلی» است. جامعه آماری، شهرهای کوچک استان اصفهان به تعداد ۹۲ شهر (با جمعیت زیر ۵۰ هزار نفر) هستند و تعداد شهرها کوچک (با جمعیت ۲۵ تا ۵۰ هزار نفر) هشت شهر می باشند که از این بین سه شهر (نایین، گلپایگان و سمیرم) به عنوان نمونه، مورد بررسی قرار گرفته است، تا با مطالعه ی این سه شهر جایگاه شهرهای کوچک استان اصفهان در سلسله مراتب شهری استان معین گردد، همچنین از بین شهرهای میانی شهر شهرضا انتخاب شده است تا همه ی این نمونه ها در سطوح کوچک و میانی، از لحاظ کارکرد جمعیتی و اقتصادی با کلان شهر اصفهان مورد مقایسه قرار گیرد.

اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن و آمارنامه‌های استان اصفهان استخراج گردیده است. ابتدا در سطح کلان جایگاه شهرهای کوچک در نظام شهری استان با استفاده از مدل‌های اندازه-مرتبه، ضریب آنتروپی و ضریب کشش پذیری مورد بررسی واقع شده است و سپس با بهره‌گیری از مدل ضریب مکانی L.Q، توان اقتصادی این شهرهای کوچک در توسعه‌ی منطقه‌ای ارزیابی شده و با نخست شهر استان مقایسه شده است.

مبانی و دیدگاه‌های نظری

در چارچوب تفکر سیستمی، می‌توان سیستم‌های شهری را مجموعه‌ای نظام یافته از شهرها قلمداد نمود که به مانند حلقه‌های زنجیر به هم پیوسته و دارای ارتباط متقابل با یکدیگر و حوزه‌های روستایی بوده است (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۸۵، ۳۶). شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به دنبال آن توسعه‌ی شهرهای کوچک و بزرگ از ویژگی‌های عصر حاضر است و توسعه‌ی پایدار آن‌ها در گرو داشتن برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کارآمد است (رضویان، ۱۳۸۷: ۱۰۲). شهرگرایی با جابجایی جمعیت از نواحی روستایی به نواحی شهری است که بیش‌تر از نظر فرهنگی و اجتماعی یک فرایند گذار سریع محسوب می‌شود (Henderson, 2003, 3). بر این اساس، تعداد زیادی از محققان بر این عقیده‌اند که برنامه‌ریزی‌های توسعه باید با تأکید بر پویایی شهرهای کوچک و متوسط تهیه شوند، «از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰، مراکز شهری کوچک و میانی، توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب کرده است» (سرور، ۱۳۸۵: ۷۶).

برنامه‌ریزی توسعه‌ی منطقه‌ای در کشورهای در حال توسعه تا دهه ۱۹۷۰ بر اساس دیدگاه‌های رشد اقتصادی استوار بود. مهم‌ترین این نظریات، تئوری رشد نامتعادل هیرشمن بود، که بخش اقتصاد را به عنوان عامل مهمی در توسعه منطقه‌ای مطرح نمود (براهمن، ۱۳۸۱: ۶-۷). اما رشد مراکز قدرتمند اقتصادی موجب رکود مناطق عقب مانده شده است. از جمله دیدگاه‌های دیگر نظریه قطب رشد فرانسوا پرو بود که بر تمرکز جمعیت، شهرهای بزرگ و صنایع تأکید داشت. اما جان فریدمن با نظریه مرکز-پیرامون خود، دیدگاه قطب رشد را عامل اصلی تمرکز جمعیت و رابطه مرکز-پیرامون را رابطه‌ای استعماری می‌داند (گیلبرت و گاکلر، ۱۳۷۵: ۶۴). با شکست این نظریات در توزیع متوازن جمعیت، افراد دیگری مانند راندینلی، در مطالعات خود، توجه به توسعه‌ی روستایی و ارتباط آن با مراکز شهری را مد نظر قرار دادند (شکوئی، ۱۳۷۳: ۵۶). دیدگاه اصلی راندینلی،

پرکردن خلا سلسله مراتبی سکونتگاه‌ها از بالا به پایین بود و حمایت و سیاست‌گذاری دولت‌ها را مستلزم این امر می‌دانست. البته مطالعات زیادی درباره‌ی شهرهای کوچک و میانی توسط افرادی مختلف انجام شده است، که در ایران نیز در دهه‌های اخیر مطالعاتی براین مبنا صورت گرفته است، از جمله مهم‌ترین آن‌ها: کتابی تحت عنوان پویایی نظام شهری ایران از نظریان (۱۳۸۸) و مقالات علمی از ایشان (۱۳۷۳، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۸، ۱۳۸۶)، کتاب اندازه شهرها از زبردست (۱۳۸۳)، شهرهای میانی از امچی (۱۳۸۳) و کتاب شهرهای کوچک، رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای از فنی (۱۳۸۸) می‌باشند.

در سال‌های اخیر با رشد سریع شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه، ظهور مسائل مربوط به کمبود واحدهای مسکونی و بالا رفتن میزان بیکاری، عده‌ای از محققان پیشنهاد کرده‌اند، برنامه ریزی توسعه بر اساس تأکید بر پویایی شهرهای کوچک تهیه شود، زیرا به دلیل وجود امکانات شغلی، تعلیم و تربیت و دیگر نیازهای اساسی، شهرهای کوچک در امر توسعه معتقدند در صورت تأمین این قبیل نیازها در شهرهای کوچک مسیرهای مهاجرتی تغییر یافته و به جای شهرهای بزرگ، شهرهای کوچک مقصد نهایی مهاجران روستایی خواهد بود (شکویی، ۱۳۷۳، ۴۱۳). برخی مطالعات بر روی شهرهای کوچک نشان می‌دهد که مهاجرت‌ها در بسیاری از کشورها متأثر از فرایند برنامه ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی بوده است (Holzer; 2009:32). بسیاری از محققان بر این باورند که بیش‌ترین انگیزه مهاجرت دو عامل درآمد و اشتغال است (camlin;2009:56). همچنین کمبود زمینه‌های مالی و سرمایه‌گذاری در شهرهای کوچک از جمله عواملی است که بر روی مهاجرت تأثیر گذار می‌باشد (Bradan;2010:89). برخی صاحب‌نظران نیز مهاجرت از شهرهای کوچک را در کشورهای کم‌تر توسعه یافته مهم تلقی می‌نمایند و علت مهاجرت را نابرابری بین سطوح شهرهای بزرگ و کوچک می‌دانند (Todarn;2010:42).

طرفداران شهرهای کوچک جنبه‌هایی از اهمیت این سکونتگاه‌ها را به عنوان مراکز خدمات منطقه‌ای در توسعه‌ی روستایی مطرح می‌کنند و بر ایجاد سلسله مراتب منسجم سکونتگاهی و نیز اثرات توزیع و رخنه به پایین تأکید دارند. به نظر آن‌ها شرایط شهرهای کوچک از نظر تولید و ساختار نهادی پیش‌تاز توسعه‌ی روستایی و منطقه‌ای است (زبردست، ۱۳۸۳: ۲۵) و عاملی برای جلوگیری از تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت در شهرهای بزرگ محسوب می‌گردد (امچی، ۱۳۸۳: ۸۶).

در ایران نگرش به توسعه منطقه‌ای و اقتصادی بر پایه ایجاد قطب رشد و سرمایه‌گذاری‌ها بر روی بخش صنعت بوده است و باعث پیدایش منطقه‌های شهری در

محدوده جغرافیایی شهرهای بزرگ شده است (ضرابی و موسوی، ۱۳۸۸: ۵). در سال ۱۳۸۵، شاهد رشد ۴۰ درصدی در تعداد شهرهای ایران هستیم، که افزایش نقاط شهری کوچکتر و روستا شهرها از آن جمله اند، همچنان که تعداد شهرها تا سال ۱۳۸۵ به ۱۰۱۲ شهر رسیده است. تبدیل تعداد ۴۰۰ سکونتگاه روستائی به نقاط شهری از آن جمله است. رشد گروه شهرهای کوچک، بازتاب دگرگونی در شبکه شهری ایران و پیدایش منطقه کلانشهری است که زمینه را در نقاط روستایی و شهرک های اقماری برای تبدیل به شهرهای پیرامونی کلانشهری را فراهم آورده است (نظریان، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

بررسی مقدماتی و تئوریکی سلسله مراتب شهری و ورود در مقوله‌ی روابط سیستماتیک سلسله مراتب شهری نقش، اهمیت و تحقیق در مقایسه آن‌ها را ایجاد می کند (نظریان، ۱۳۸۸: ۲۲۵). شبکه شهری ایران، عملکرد سلسله مراتبی نداشته و شمار کانون های زیستی، توزیع فضایی و حجم جمعیتی آن ها از یک نظام کارکردی سلسله مراتبی تبعیت نمی کند، شبکه شهری همچنان در جهت تمرکزگرایی، در حال تحول است، فاصله‌ی تهران و شهرهای بزرگ با شهرهای میانه و کوچک بیش تر شده و تفاوت های کمی و کیفی عملکرد آن ها با یکدیگر آشکارتر می شود. در مجموع سطوح شبکه شهری در عملکرد خود نامتعادل و ناتوان است. نتیجه آنکه اقدامات و تصمیم گیری‌های اجرایی به زبان سطوح میانی و پائینی شبکه شهری و به سود تهران و شهرهای بزرگ منجر شده است (نظریان، ۱۳۷۶: ۵۲).

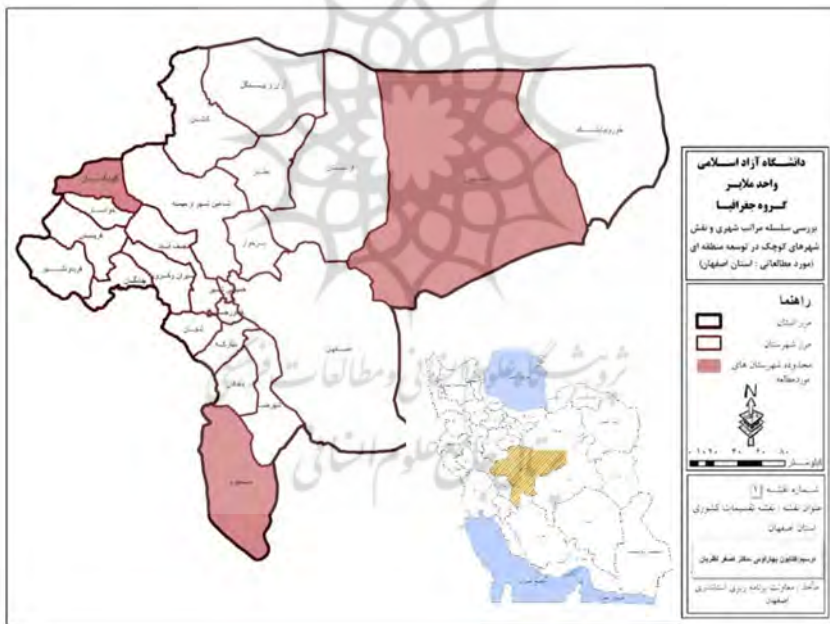
در استان اصفهان نیز تمرکز امکانات و خدمات در نخست شهر استان، یعنی کلان شهر اصفهان، شکاف جمعیتی بزرگی در سلسله مراتب شهری استان به وجود آورده است و عدم وجود شهرهای میانی و کوچک به تعداد کافی، موجب عدم تعادل فضایی استان گردیده است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر شهرهای کوچک در استان اصفهان، و نقش این شهرها در کمک به توسعه فضایی آن است.

معرفی منطقه مورد مطالعه

اصفهان با مساحت ۱۰۷۰۹۰/۱۲ کیلومتر مربع معادل ۴/۴۹ درصد از کل جمعیت کشور بین ۳۰ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۳۰ دقیقه عرض شمالی و ۴۹ درجه و ۴۶ دقیقه تا ۵۵ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی در بخش مرکزی ایران واقع است (برنامه بودجه استان اصفهان، ۱۳۷۱: ۲). طبق آخرین تقسیمات سیاسی سال ۱۳۹۰ دارای ۲۳ شهرستان،

۱۰۱ شهر، ۱۲۵ دهستان و ۴۴ بخش بوده و بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ جمعیت آن بالغ بر ۴۸۷۵۸۰۲ نفر می‌باشد.

در سال ۱۳۹۰ از کانون‌های شهری، تنها شهر بزرگ منطقه، شهر اصفهان می‌باشد که سهم جمعیتی آن از کل جمعیت شهری استان ۴۴٪ می‌باشد، شهرهای میانی استان، کاشان، شاهین شهر، شهرضا و نجف آباد می‌باشند که سهم آن‌ها از کل جمعیت استان ۳۳.۵٪ است و تعداد کانون‌های شهری زیر ۵۰ هزار نفر، یعنی شهرهای کوچک که تعداد آن‌ها به ۹۲ شهر می‌رسد، از کل جمعیت شهری ۲۳.۵٪ را به خود اختصاص داده‌اند. که این رقم برای شهرهای کوچک در سال ۱۳۳۵، ۶۲٪ بوده است. اما محدوده مورد مطالعه، شهرهای ۲۵ تا ۵۰ هزار نفری باشند که سهم جمعیتی آن‌ها نیز از سال ۱۳۳۵ (۲۲.۹۹٪) به (۷.۵۷٪) در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. این روند نشان می‌دهد که گرچه تعداد شهرهای کوچک افزایش پیدا کرده، اما سهم جمعیتی آن‌ها از کل جمعیت شهری استان رو به کاهش بوده است.



نقشه شماره ۱: نقشه تقسیمات کشوری استان اصفهان

مأخذ: معاونت برنامه ریزی استانداری اصفهان

جدول (شماره ۱): تعداد جمعیت و درصد جمعیت شهرهای کوچک استان اصفهان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

سال	تعداد شهر	تعداد جمعیت	درصد جمعیت نسبت به کل شهر های استان
۱۳۳۵	۵۶	۴۱۹۰۳۹	٪۶۲
۱۳۴۵	۶۰	۴۲۳۸۷۵	٪۴۶
۱۳۵۵	۵۳	۵۱۵۸۹۶	٪۳۶.۵
۱۳۶۵	۵۳	۷۱۴۴۸۷	٪۳۲
۱۳۷۵	۵۱	۷۵۹۳۱۸	٪۲۵.۵
۱۳۸۵	۸۵	۱۰۰۳۷۷۴	٪۲۶
۱۳۹۰	۱۰۱	۹۷۳۱۵۵	٪۲۳.۵

مأخذ: مرکز آمار و محاسبات نگارندگان

یافته های تحقیق

شهرهای استان اصفهان به دلیل عوامل طبیعی و اقلیمی توزیع فضایی متعادلی ندارند و از لحاظ جمعیتی نیز توزیع نقاط شهری از قاعده خاصی تبعیت نمی کند، به طوری که تعداد شهرهای کوچک بسیار زیاد است، اما درصد جمعیتی آن نسبت به جمعیت شهری استان چشمگیر نیست و شهر اصفهان به عنوان نخست شهر منطقه طی ادوار مختلف نمایان است.

الف- مدل رتبه - اندازه زیپف

با بررسی در نظام شهری استان اصفهان می توان دریافت، آنچه برای سلسله مراتب شهری ایران اتفاق افتاده است، استان اصفهان نیز از آن بی بهره نبوده است. بدین ترتیب جهت بررسی کارکرد جمعیتی شهر های کوچک در نظام شهری استان اصفهان و اثبات این موضوع از توزیع لگاریتمی اندازه - رتبه استفاده می شود (موسوی و همکاران: ۱۳۸۸، ۱۵۲). طبق محاسبات انجام شده در رابطه با شهرهای استان اصفهان و رتبه و اندازه آن ها نتایج زیر مشخص می گردد:

۱- در سال های مورد مطالعه ی همبستگی معکوس بین لگاریتم مرتبه شهر (X) و لگاریتم اندازه شهرها (Y) دیده می شود و هرچه بر لگاریتم رتبه افزوده می شود، از لگاریتم اندازه جمعیت کاسته می شود.

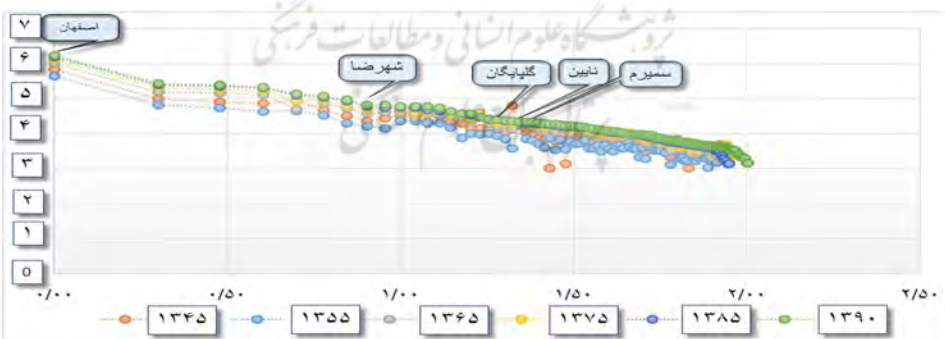
۲- مقدار ضریب خط یا شیب خط مرتبه- اندازه برای سال های ۹۰-۱۳۳۵ به شرح ذیل می باشد:

B	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
ضریب خط	۱/۲۶	۱/۲۷	۱/۲۴	۱/۲۷	۱/۳	۱/۳۵	۱/۳۶

مأخذ: محاسبات نگارندگان

با توجه به این که شیب خط در تمامی سال های ۹۰-۱۳۳۵ بیش تر از عدد یک بوده پس عدم تعادل در نظام شهری استان اصفهان برقرار است و فاصله شهر اول با شهرهای بعدی بیش تر بوده است.

ناهماهنگی و عدم تعادل در سلسله مراتب شهری استان اصفهان در طی سال های ۹۰-۱۳۳۵ وجود دارد. خصوصاً شهر اول استان با دیگر شهرها اختلاف جمعیتی چشمگیری دارد. از این رو شهر اصفهان به عنوان نخست شهر استان شناخته می شود، به طوری که در سال ۱۳۹۰ جمعیت نخست شهر اصفهان ۶/۳ برابر شهر دوم (کاشان) و ۷/۱ برابر شهر سوم (خمینی شهر) بوده است. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت اصفهان شهری جمعیت پذیر است و این عامل در طی ۵۰ سال اخیر شهرهای استان اصفهان را از قانون مرتبه- اندازه دور نموده است. البته شکاف جمعیتی قابل ملاحظه ای نیز بین شهرهای میانی و شهرهای کوچک وجود دارد که این امر هم عامل مهم دیگری در عدم وجود قانون مرتبه و اندازه در استان اصفهان می باشد.(نمودار شماره ۱)



نمودار(شماره ۱): توزیع لگاریتمی مرتبه - اندازه شهرهای استان اصفهان - ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰-

مأخذ: محاسبات نگارندگان

ب- تحلیل گرایش‌های فضایی از طریق ضریب آنتروپی

این مدل، معیاری برای سنجش توزیع جمعیت شهرها در طبقات شهری یک منطقه است. با استفاده از این مدل می‌توان به میزان تعادل فضایی استقرار جمعیت و تعداد شهرها در سطح شبکه‌ی شهری، استانی، منطقه‌ای و ملی پی برد. ساختار کلی مدل به شرح ذیل است:

اگر آنتروپی به طرف صفر میل کند حکایت از تمرکز بیش تر و یا افزایش تمرکز یا عدم تعادل در توزیع جمعیت بین شهرها دارد و حرکت به طرف یک و بالاتر از آن توزیع متعادل‌تری را در عرصه منطقه‌ای نشان می‌دهد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۸۹). همانگونه که در جدول (شماره ۲) مندرج است، ارقام آنتروپی نسبی^۱ از ۰/۶۲۶ در سال ۱۳۳۵ به ۰/۵۸۷ در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است که گویای حرکتی به سمت عدم تعادل در فضا است. این افت، نشانگر پهنه‌ای شدن تمرکز و واقعی بودن حرکت و گرایش‌های تمرکز گرایانه بوده که به صورت لکه‌ای متراکم در مرکز استان و پیرامون آن یعنی شهرهای استان، خمینی‌شهر، نجف‌آباد، مبارکه، فلاورجان و شاهین شهر نمود می‌کند.

اما در سال ۱۳۹۰ این ضریب از افزایش نسبی برخوردار است و به ۰/۶۶۸ رسیده است و دلیل آن می‌تواند افزایش چشمگیر شهرهای این استان باشد که به تبع شهر شدن خود از امکانات نسبی برخوردار شده‌اند. البته این شهرها اغلب روستاهای کوچکی بوده‌اند که شهرداری در آن‌ها تأسیس شده است. همچنان که تعداد شهرهای استان از ۶۲ نقطه در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۱ نقطه در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

مطابق با جدول (شماره ۲) که ضریب آنتروپی شهرهای استان اصفهان بدون احتساب شهرهای کوچک (۲۵ تا ۵۰ هزار نفر) مورد بررسی قرار گرفته است می‌توان دید که این ضرائب تغییر آنچنان زیادی نکرده‌اند و از سال ۱۳۳۵ با ضریب ۰/۶۴۲ به ۰/۶۲۱ در سال ۱۳۹۰ سیر صعودی را نمایش می‌دهد. این امر بیانگر عدم تعادل و توازن پراکندگی جمعیت در استان می‌باشد و شهرهای کوچک نقش مهمی در تعدیل جمعیت ایفا نموده‌اند، زیرا تعداد این شهرها از ۸ شهر تجاوز نمی‌کند و از این تعداد ۵ شهر وابستگی شدید به مرکز استان دارند که دقیقاً در فاصله‌ی بسیار نزدیک به شهر اصفهان قرار گرفته‌اند.

^۱Entropy Index

جدول (شماره ۲) ضرایب آنتروپی شهرهای استان اصفهان طی سال های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

شهرهای استان اصفهان بدون احتساب شهرهای کوچک (۲۵ تا ۵۰ هزار نفر)			کل شهرهای استان اصفهان			
ضریب آنتروپی G	Lnk	تعداد شهر	ضریب آنتروپی G	Lnk	تعداد شهر	سال
۰/۶۴۲	۳/۹۳	۵۱	۰/۶۲۶	۴/۰۶	۵۸	۱۳۳۵
۰/۶۲۰	۳/۹۳	۵۱	۰/۶۰۸	۴/۰۶	۵۸	۱۳۴۵
۰/۵۳۹	۳/۹۵	۵۲	۰/۵۶۱	۴/۰۹۱	۶۰	۱۳۵۵
۰/۵۸۱	۳/۹۱	۵۰	۰/۵۷۴	۴/۰۹	۶۰	۱۳۶۵
۰/۵۹۵	۳/۹۸	۵۴	۰/۵۷۸	۴/۱۲	۶۲	۱۳۷۵
۰/۵۸۵	۴/۴۴	۸۵	۰/۶۲۲	۴/۵۴	۹۴	۱۳۸۵
۰/۶۲۱	۴/۵۲	۹۲	۰/۶۶۸	۴/۶۴	۱۰۱	۱۳۹۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان

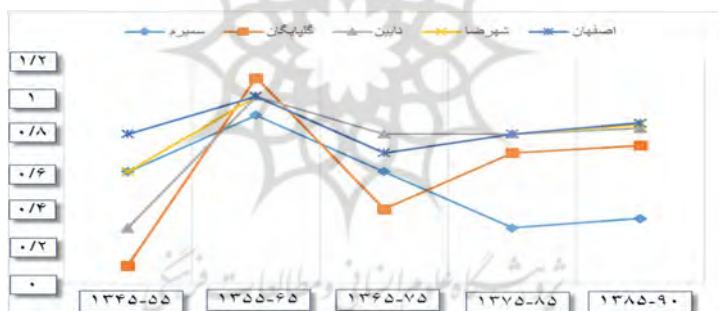
ج- تحلیل ضریب کشش پذیری

این مدل شاخص است که به وسیله‌ی آن می‌توان درصد جمعیت شهرنشین را در متقابل جمعیت کل برآورد نمود. یعنی در مقابل هر یک درصد افزایش جمعیت کل (کشور، استان، شهرستان) در دوره زمانی مشخص شهرنشین (در شهر مورد نظر) چه میزان افزایش یا کاهش دارد. همچنین از طریق این شاخص می‌توان گرایش‌های موجود در فضای منطقه و میزان کشش‌پذیری جمعیتی آن را محاسبه و در مقیاس منطقه‌ای با سایر کانون‌های جمعیتی مقایسه نمود (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۰۸).

جدول (شماره ۳) ضریب کشش پذیری جمعیتی در شهرهای منتخب در مقایسه با شهر اصفهان (۹۰ - ۱۳۴۵)

ضریب کشش پذیری**					نرخ رشد جمعیت شهری (۸۵- -۱۳۴۵)				نام شهر	سطوح شهری
۱۳۸۵-۹۰	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۶۵-۷۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۴۵-۵۵		
۰/۳۵	۰/۴	۰/۶	۰/۹	۰/۶	۰/۹	۱/۹۲	۴/۱۵	۳/۰۲	سمیرم	شهر کوچک
۰/۷۴	۰/۷	۰/۴	۱/۱	۰/۱	۱/۸۹	۱/۴۳	۴/۸	۰/۷۳	گلپایگان	
۰/۸۲	۰/۸	۰/۸	۱	۰/۳	۲/۰۵	۲/۴۹	۴/۴۵	۱/۶۵	نابین	
۰/۸۵	۰/۸	۰/۷	۱	۰/۶	۲/۰۳	۲/۲۳	۴/۵۳	۳/۰۵	شهرضا	شهر میانی
۰/۸۶	۰/۸	۰/۷	۱	۰/۸	۲/۰۳	۲/۳۱	۴/۱۲	۴/۴۵	اصفهان	شهر بزرگ
۱/۰۳	۱	۱/۰۱	۰/۸	۱/۰۸	۲/۶۸	۳/۲۷	۴/۲۲	۵/۳۳	استان	
-	-	-	-	-	۲/۷۴	۳/۲۱	۵/۴۱	۴/۹۳	کشور	

**محاسبات نگارندگان *طرح پایه آمایش استان اصفهان، ۱۳۸۹: ۲۸)



نمودار (شماره ۲) ضریب کشش پذیری جمعیتی در فواصل زمانی ۹۰ - ۱۳۴۵ در سطوح شهری استان اصفهان

همچنان که از نمودار (شماره ۲) استنباط می‌گردد. هر سه شهر مورد مطالعه در سال ۶۵ - ۱۳۵۵ دارای کشش‌پذیری مناسبی بودند و این ضریب به ترتیب برای شهر سمیرم ۰/۹۹، شهر گلپایگان ۱/۱۳ و نابین ۱/۰۵ بوده است. اما در دهه‌های قبل و بعد از این دوره این رقم کاهش یافته است به طوری که در دهه‌ی ۵۵ - ۱۳۴۵ این ضریب برای شهرهای کوچک منتخب استان به ترتیب ۰/۶، سمیرم، ۰/۱۴، گلپایگان و ۰/۳۳، نابین است که هیچ کدام از این شهرها جمعیت‌پذیری را نشان نمی‌دهد. در دهه ۸۵ - ۱۳۷۵ این ضریب به

ترتیب ۳، ۷، و ۸، را نمایش می‌دهد و در دوره پنج ساله ۹۰-۱۳۸۵، ضریب کشتش پذیری برای گلپایگان، ۰/۷۴، برای ناین ۰/۸۲ برای سمیرم ۰/۳۵ می باشد که دال بر عدم جمعیت پذیری این شهرهاست. اما این ضریب برای دو شهر اصفهان و شهرضا به طور میانگین میزان کشتش پذیری بیش تری را نسبت به سه شهر کوچک منتخب نشان می دهند.

د- روش تحلیلی کارکرد اقتصادی: (ضریب مکانی)

با توجه به این که یکی از ویژگی های اقتصادی پویا، توزیع عادلانه ی خدمات در میان اکثریت جمعیت یک شهر، منطقه یا کشور است، (ضرابی، مولوی، ۱۳۸۸، ۵۲) توجه به مسائل اقتصادی، مهم به نظر می رسد. ضریب مکانی یا L.Q، یکی از نظریه‌های معروف رشد اقتصاد پایه است که برای شناسایی و مطالعه‌ی بخش‌های پایه و غیرپایه در مناطق مختلف به کار می‌رود. این نظریه تأکید خاصی بر تفکیک فعالیت های اقتصادی مناطق دارد (فنی، ۱۳۷۵: ۱۹۱).

جدول (شماره ۴) مقایسه تغییرات ضریب مکانی و شناخت فعالیت های شهرها منتخب در مقایسه با شهر اصفهان (سال های ۹۰-۱۳۶۵)

سطوح شهری	شهر	فعالیت	۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
			شناخت	LQ	شناخت	LQ	شناخت	LQ	شناخت	LQ
شهر کوچک	سمیرم	کشاورزی	۳/۶	پایه	۲/۶۶	پایه	۳/۳۸	پایه	۳/۳۶	پایه
		صنعت	۰/۱۴	غیر پایه	۰/۲۸	غیر پایه	۰/۶۷	غیر پایه	۰/۷۳	غیر پایه
		خدمات	۱/۱۱	پایه	۱/۲۰	پایه	۱	خودکفا	۱/۳	پایه
		کشاورزی	۱/۷۸	پایه	۱/۵۲	پایه	۱/۶۷	پایه	۱/۶۶	پایه
	گلپایگان	صنعت	۰/۴۵	غیر پایه	۰/۹۴	غیر پایه	۱/۰۶	پایه	۱/۰۸	پایه
		خدمات	۱/۲۴	پایه	۱/۳۵	پایه	۱/۳۷	پایه	۱/۴	پایه
		کشاورزی	۱/۴۱	پایه	۱/۰۳	پایه	۰/۶۵	غیر پایه	۰/۵۵	غیر پایه
		صنعت	۰/۹۱	غیر پایه	۰/۷۶	غیر پایه	۰/۸۲	غیر پایه	۰/۹۶	غیر پایه
شهرضا	خدمات	۰/۹۸	غیر پایه	۰/۸۵	غیر پایه	۱/۱۹	پایه	۱/۰۶	پایه	
	کشاورزی	۰/۶۵	غیر پایه	۰/۸	غیر پایه	۱/۱۵	پایه	۱/۱	پایه	
	صنعت	۱/۱۵	پایه	۰/۹	غیر پایه	۰/۸	غیر پایه	۰/۹۵	غیر پایه	
	خدمات	۱	خودکفا	۱/۳	پایه	۱/۲	پایه	۱/۵	پایه	
اصفهان	کشاورزی	۰/۲۵	غیر پایه	۰/۳۷	غیر پایه	۰/۲۹	غیر پایه	۰/۲۳	غیر پایه	
	صنعت	۰/۸۵	غیر پایه	۱	خودکفا	۱	خودکفا	۱/۲	پایه	
	خدمات	۱/۳۴	پایه	۱/۲۲	پایه	۱/۱۹	پایه	۱/۲۲	پایه	

مأخذ: محاسبات نویسندگان

ضریب مکانی شهر سمیرم در بخش کشاورزی برابر ۳/۶ در سال ۱۳۶۵، ۲/۶۶ در سال ۳/۳۸، ۷۵ در سال ۸۵ و ۳/۳۶ در سال ۹۰ می‌باشد، که این ارقام ضریب بالایی را نشان می‌دهد. در زمینه صنعت این شهر، فعالیت غیرپایه‌ای را نشان می‌دهد، به طوریکه ضریب مکانی در بخش صنعت در هر سه دوره مورد بررسی زیر یک بوده است، ولی از سال ۶۵ با ضریب ۱/۴، تا سال ۹۰ با ضریب ۰/۷۳، افزایش نسبی را به همراه داشته است. در بخش خدمات نیز در سه دوره ۹۰-۱۳۶۵ ضریب مکانی بالاتر از یک می‌باشد و روند افزایشی را طی می‌کند و به همین سبب در زمره‌ی فعالیت‌های پایه‌ای قرار می‌گیرد.

شهر گلپایگان با ضریب ۱/۷۸ در سال ۱۳۶۵، ۱/۵۲ در سال ۷۵، ۱/۶۷ در سال ۸۵ و ۱/۶۶ در سال ۹۰ یکی از قطب‌های کشاورزی خودکفا و تا حدودی صادر کننده به سایر مناطق مطرح شده است. البته این روند از سال ۶۵ تا ۹۰ روند کاهشی داشته است که این امر برای سال ۱۳۷۵ مشهودتر است. بخش صنعت در دو دوره ۶۵ و ۷۵ جزو فعالیت‌های غیرپایه‌ای بوده است اما در سال ۸۵ و ۹۰ دارای اقتصاد پایه می‌باشد. در پانزده سال اخیر توجه فراوانی به توسعه‌ی فعالیت‌های صنعتی این شهر شده است و صنایع مهم تولید لبنیات و فعالیت‌های صنعتی این شهر نسبت به کل استان رقم ناچیزی را به خود اختصاص داده است ضریب مکانی در بخش صنعت برای گلپایگان ۰/۴۵، در سال ۶۵، ۰/۹۴ در سال ۷۵، ۱/۰۶ در سال ۸۵ و ۱/۰۸ در سال ۹۰ می‌باشد که روند صعودی را نمایش می‌دهد. ضریب مکانی فعالیت‌های خدماتی شهر مذکور در سال ۶۵، ۷۵، ۸۵ و ۹۰ به ترتیب ۱/۲۴، ۱/۳۵، ۱/۳۷، ۱/۴ را نشان می‌دهد که با روند افزایشی همواره نقش پایه و خودکفا را دارا می‌باشد، به طوری که با مزاد خدماتی به ویژه در بخش اداری و تجاری مواجه بوده است.

شهر نایین در بخش فعالیت‌های کشاورزی با ضریب ۱/۴۱ در سال ۶۵، ۱/۳ در سال ۷۵، ۰/۶۵، در سال ۱۳۸۵ و ۰/۵۵ در سال ۱۳۹۰ موفقیت چندانی را به دست نیاورده است. فعالیت در این بخش برای سال‌های ۶۵، ۷۵ نقش پایه‌ای و خودکفا را ایفا نموده است، اما با کاهش چشمگیری در سال ۸۵ و ۹۰ این کارکرد تضعیف گردیده است. در بخش صنایع، نایین در هر سه دوره نقش غیرپایه‌ای داشته است، ضریب‌های ۰/۹۱، ۰/۷۶، ۰/۸۲، در دهه‌های اخیر مؤید این مطلب است. نایین در زمینه‌ی خدمات در دهه‌های اخیر رشد مناسبی را دارا بوده است، همچنانکه ضریب مکانی در این بخش برای سال ۶۵، ۰/۹۸، سال ۷۵، ۰/۸۵، سال ۸۵، ۱/۱۹ و سال ۹۰، ۱/۰۶ را نشان می‌دهد، نقش فعالیت‌های

خدماتی در دو دهه ۶۵ و ۷۵ غیر پایه‌ای اما در سال ۸۵ و ۹۰ به بالاتر از مرز خودکفایی نایل آمده است.

از مباحث فوق این چنین می‌توان نتیجه گرفت که در کل، سه شهر مورد مطالعه، پتانسیل‌های بالقوه در جهت ایجاد اقتصاد پایه‌ای را دارند که با برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای این امر تحقق می‌یابد. البته گلپایگان در بین شهرهای مذکور دارای عملکرد بهتری می‌باشد و زمینه تا حدود زیاد در این شهر جهت پیشرفت و توسعه فراهم گشته است (جدول شماره ۴).

اما به طور کلی بخش‌های اقتصادی در شهر میانی شهرضا ونخست شهر استان، اصفهان، کمی متفاوت تر است. به طوری که بخش کشاورزی در این دو شهر جزو مشاغل ضعیف و بخش صنعت و خدمات رقم بالاتری را نسبت به شهرهای کوچک نشان می‌دهد.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

امروزه نابرابری فضایی و گسترش کلان شهرها خصوصاً در کشورهای در حال توسعه، مشکلات عدیده‌ای را بوجود آورده است و این امر موجب گشته که توجه به توسعه شهرهای کوچک افزونتر گردد. همچنین وجود سلسله مراتب متعادل و نظام یافته سکونتگاهی و شهری، شرایط مساعدی جهت توسعه فضایی ایجاد می‌نماید. که این امر برنامه ریزان را جهت رسیدن به آن به تکاپو وا می‌دارد.

سلسله مراتب شهری در ایران از یک نظام گسیخته ای برخوردار است، به طوری که تهران به عنوان نخست شهر کشور هم از نظر جمعیتی و هم از نظر کارکردهای اقتصادی اختلاف چشمگیری با شهرهای میانی و کوچک کشور دارد. براساس داده های آماری سال ۱۳۹۰، شهرهای کوچک منتخب حدود ۷/۵۷ درصد از جمعیت شهری استان را به خود اختصاص داده اند و شهر میانی ۳۳/۵ درصد جمعیت استان را دارا می‌باشند، در حالی که شهر اصفهان به تنهایی ۴۴ درصد از جمعیت شهری استان را در خود جای داده است. این امر بیانگر تمرکز جمعیت در کلان شهر اصفهان وعدم تعادل جمعیتی استان می‌باشد (جدول شماره ۱).

بنابر مطالعاتی با قانون رتبه - اندازه زیپف، ناهماهنگی و عدم تعادل در سلسله مراتب شهری استان اصفهان در طی سال های ۹۰-۱۳۳۵ وجود دارد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت اصفهان شهری جمعیت پذیر است و این عامل در طی ۵۰ سال اخیر شهرهای استان اصفهان را از قانون مرتبه- اندازه دور نموده است. البته شکاف جمعیتی قابل

ملاحظه ای نیز بین شهرهای میانی با دیگر شهرها وجود دارد که این امر هم عامل مهم دیگری در عدم وجود قانون مرتبه و اندازه در استان اصفهان می باشد (نمودار شماره ۱).

همانگونه که در جدول (شماره ۲) مندرج است، ارقام آنتروپی نسبی از ۶۲۶/ در سال ۱۳۳۵ به ۵۸۷/ در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است که گویای حرکتی به سمت عدم تعادل در فضا است. این افت، نشانگر تمرکز و واقعی بودن حرکت و گرایشات تمرکزگرایانه در استان بوده است، همچنین بی توجهی به کارکرد شهرهای کوچک می توانند این مشکل را تشدید نماید. اما در سال ۱۳۹۰ این ضریب از افزایش نسبی برخوردار است و به ۶۶۸/ رسیده است که نتیجه برنامه‌های توسعه ای و تمرکز زدایی دولت در سال های اخیر بوده است.

ضریب کشش پذیری نیز نشان می دهد، در بین شهرهای کوچک شهر نایین بیش ترین کشش و جذب جمعیت را دارد و حتی از ضریب کشش پذیری شهر میانی، نیز بالاتر می باشد. اما همچنان این ضریب در شهر اصفهان بالاترین ضریب می باشد (نمودار شماره ۲).

به لحاظ کارکرد اقتصادی، نقش غالب شهرهای کوچک کشاورزی و خدمات بوده است، در حالی که نقش اقتصادی غالب در شهر میانی مورد مطالعه و شهر اصفهان در بخش صنعت و خدمات می باشد. البته شهرضا از سال ۱۳۶۵ که طبق ضریب L.Q در بخش صنعت نقش پایه ای را داشت در دهه‌های بعدی این ضریب کاهش یافته و به سمت غیر پایه ای سوق پیدا نموده است (جدول شماره ۴).

نهایتاً آنچه از این پژوهش برمی آید، نشان می دهد که، شهرهای کوچک در نظام شهری استان، به لحاظ کارکرد جمعیتی و به ویژه کارکرد اقتصادی تاثیرات مثبتی در حوزه‌ی پیرامونی خود داشته اند، همینطور این شهرها دارای پتانسیل های قدرتمندی جهت تبدیل شدن به مراکز جمعیتی و مراکز خدمات رسانی حوزه ی خود دارند و باتوجه بیش تر به این گونه شهرها می توان حلقه ی محکمی در سلسله مراتب شهری استان اصفهان ایجاد نمود تا بتواند از مهاجرت بی رویه جمعیت جلوگیری نماید و تعادل فضایی را در منطقه به ایجاد نماید و بدین ترتیب فرضیات این پژوهش مورد تأیید قرار می گیرد. اما آنچه که کارکرد این شهرها را تا حدودی کمرنگ تر نموده است، تمرکز امکانات، خدمات و صنایع در نخست شهر استان (اصفهان) بوده است. رشد بی رویه شهر اصفهان که نتیجه سیاست گذاری های نادرست مسؤولان و عدم برنامه ریزی های مناسب در دوره های گذشته است، باعث گسیختگی سازمان فضایی استان شده است. رسیدن به توسعه‌ی پایدار منطقه ای جز با برنامه ریزی متناسب توسعه ای و یک دیدگاه سیستمی و کل نگرانه قابل حل نیست. برنامه ریزی ها بایستی در جهت تمرکز زدایی و توزیع متوازن امکانات، صنایع و خدمات در

سراسر استان، صورت پذیرد. تمرکز زدایی از شهر اصفهان و هدایت سرمایه به سوی شهرهای میانی و توجه ویژه به شهرهای کوچک می تواند خلاء موجود در سلسله مراتب شهری استان اصفهان را از بین ببرد و تعادل فضایی را به ارمغان آورد.

پیشنهادات کاربردی:

* در جهت توسعه‌ی منطقه، تقویت تأسیسات زیر بنایی و رفع کمبودهای موجود در این زمینه هم برای شهرهای کوچک و هم سکونتگاه‌های پیرامونی آن‌ها، از قبیل راه آسفالته، برق، گاز لوله کشی، خدمات پستی و اینترنتی و مراکز درمانی و آموزشی و تخصصی از مهم ترین عواملی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

* تقویت بخش کشاورزی در شهرهای کوچک و حوزه‌ی نفوذ آن‌ها از اقدامات مهم دیگری می تواند باشد، خصوصاً در شهرهایی که پتانسیل‌های قدرتمندی در جهت توسعه‌ی این بخش وجود دارد.

* تقویت خدمات رسانی بین راهی، خصوصاً برای شهرهای کوچکی که به دلیل قرارگیری در مسیر ارتباطی و شاه راهی مهم کشور، می تواند پتانسیل مهمی در ایجاد اشتغال در نظر گرفته شود.

* با تقویت و توسعه‌ی این شهرها زمینه‌هایی در جهت ایجاد فرصت‌های شغلی و امکان تامین درآمد سرانه بالاتر فراهم می آید، از قبیل: آموزش‌های حرفه‌ای به جوانان، اعطای تسهیلات دولتی جهت کار آفرینی و ایجاد کارگاه‌های کوچک، تنظیم ثبات قیمت برای محصولات کشاورزی، حمایت از سرمایه گذاران و تامین امنیت آن‌ها در این شهرها و حوزه‌ی پیرامونی آن‌ها.

* ایجاد مجموعه‌ی فرهنگی، تفریحی، شهرهای کوچک و برنامه ریزی جهت تقویت هر چه بیش تر ابنیه تاریخی یا مجموعه‌های طبیعی و فرهنگی در این شهرها و معرفی آنها به منظور قطب‌ها مهم گردشگری در استان همچنین احیای صنایع دستی آداب و سنن و پوشش سنتی این شهرها و نواحی روستایی آن‌ها در جهت جذب هر چه بیش تر گردشگران داخلی و بین المللی.

منابع و مأخذ:

۱. آسایش، ح. استعلاجی، ع. ۱۳۸۲. اصول و روش های برنامه ریزی ناحیه ای (مدل ها، روش ها و فنون). تهران: مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری.
۲. امچکی، ح. ۱۳۷۲. شهرهای میانی. وزارت مسکن و شهرسازی.
۳. امچکی، ح. ۱۳۸۳. شهرهای میانی و نقش آن در چارچوب توسعه ملی. تهران: مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
۴. براهمن، ج. ۱۳۸۱. توسعه مردم گرا. مترجمان: عبدالرضا رکن الدی افتخاری، مرتضی توکلی. تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۵. حکمت نیاح، موسوی، م. ۱۳۸۵. کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای. یزد: انتشارات علم نوین.
۶. رضویان، م. ح، بیرامزاده. ۱۳۸۷. عملکرد مدیریت شهرهای کوچک در برنامه ریزی کاربری اراضی (مطالعه موردی: شهر بناب). فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های جغرافیایی، ۶۲.
۷. زبردست، ا. ۱۳۸۳. اندازه شهرها. وزارت مسکن و شهرسازی: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۸. سرور، ه. نعمت پور، ن. ۱۳۸۵. نگرشی به نقش کانونی شهرهای کوچک و میانی در توسعه منطقه ای (قسمت دوم) تهران: مجله شهرداری ها، ۷۴.
۹. شکوئی، ح. ۱۳۷۳. دیدگاههای نودر جغرافیای شهری. تهران: انتشارات سمت.
۱۰. شیخ الاسلامی، ع. ۱۳۸۵. تنگناها و محدودیت های مدیریت کانون های شهری کوچک استان همدان. فصلنامه علمی-پژوهشی آمایش. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر. سال اول.
۱۱. ضرابی، ا. موسوی، م. ۱۳۸۸. بررسی کارکرد شهرهای کوچک در نظام شهری و توسعه منطقه ای (مطالعه موردی استان یزد). مجله علمی-پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، ۲.
۱۲. ضرابی، ا. مولوی، ا. ۱۳۸۸. تحلیل شاخص های توسعه در شهرستان های استان همدان با استفاده از تکنیک عاملی. فصلنامه علمی-پژوهشی آمایش. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر. سال دوم. ۵.
۱۳. فریدی، ی. ۱۳۸۶. جغرافیا و شهرشناسی. انتشارات دانشگاه تبریز.

۱۴. فنی، ز. ۱۳۷۵. نقش شهرهای کوچک در توسعه منطقه ای (مطالعه موردی: استان خوزستان). پایان نامه دکتری دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. فنی، ز. ۱۳۸۸. شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه ای. تهران: نشر آذرخش.
۱۶. گیلبرت، ا. ژوزف، گ. ۱۳۷۵. شهرها فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم. مترجم: پرویز کریمی ناصری. تهران: انتشارات شهرداری.
۱۷. مرکز آمار ایران. جمعیت شهرهای کشور. ۱۳۹۰-۱۳۳۵.
۱۸. معاونت برنامه ریزی استانداری اصفهان. ۱۳۸۵. طرح پایه آمایش استان اصفهان.
۱۹. موسوی، س. د. نظریان، ا. زیاری، ی. مهدوی، م. ۱۳۹۳. سنجش میزان پایداری محله های شهری با استفاده از HDI و تکنیک پهنه بندی موریس (نمونه موردی شهر ملایر). فصلنامه علمی-پژوهشی آمایش محیط. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر. سال ششم.
۲۰. موسوی، م. میرحیدر، ط. ۱۳۸۸. بررسی و تحلیل تغییرات در سلسله مراتب شهری استان آذربایجان غربی. مجله علمی و پژوهشی فضای جغرافیایی.
۲۱. نظریان، ا. ۱۳۷۳. شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی: ۳۲.
۲۲. نظریان، ا. ۱۳۷۵. جایگاه شهرهای کوچک در سامان دهی فضای ملی. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی: ۴۲.
۲۳. نظریان، ا. ۱۳۷۶. جایگاه شهرهای کوچک در سامان دهی فضایی. مورد زنجان. معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۴. نظریان، ا. ۱۳۷۸. نقش شهرهای کوچک و میانی در توسعه ملی. معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۵. نظریان، ا. ۱۳۸۶. شهرنشینی در حال دگرگون و جایگاه شهرهای کوچک: مورد ایران. مجله سرزمین: ۱۴.
26. Henderson, J.V .2003. Urbanization, Economic Geography, and Growth; Brown University Mmineo.
27. Bradan, F .2010. Migration (approach and new planning in cities) Delhi press.
28. Camlin, B .2009. Migration and unemployment, London.
29. Holzar, H .2009. The migration and social development, UK, Id. oxford.
30. Todarn, F .2010. The migration small cities a new approach, Holston press.